



علم و تمدن جدید با نفی اخلاق فضیلت ساخته شده است/ ما به اخلاق آزادی بی توجه بوده ایم

رئیس فرهنگستان علوم در دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گفت: اخلاق ما، اخلاق فضیلت است و علم و تمدن جدید با اخلاق فضیلت ساخته نشده

کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

علم و تمدن جدید با نفی اخلاق فضیلت ساخته شده است/ ما به اخلاق آزادی بی توجه بوده ایم
رئیس فرهنگستان علوم در دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گفت: اخلاق ما، اخلاق فضیلت است و علم و تمدن جدید با اخلاق فضیلت ساخته نشده بلکه با نفی اخلاق فضیلت ساخته شده است. در واقع عالم جدید، عالم تمطع است. ما به اخلاق فضائل توجه کردیم و به اخلاق منفی که اخلاق آزادی است توجه نکردیم اما برای پیشرفت داشتن اخلاق منفی ضروری است و باید به قواعد آن دقیق توجه شود. به گزارش خبرنگار مهر، دکتر رضا داوری اردکانی چهره ماندگار فلسفه و رئیس فرهنگستان علوم در دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که چهارشنبه 18 اردیبهشت در کتابخانه ملی برگزار شد به موضوع اخلاق و پیشرفت اشاره کرد و گفت: تقریباً تا الان هیچ فکری در مورد علم پیشرفت و اخلاق پیشرفت صورت نگرفته است و شاید تاکنون احساس نیاز نمی کردیم و یا نمی کنیم البته مقام معظم رهبری طی سخنانی این بحث را موضوع عظیمی خواندند که باید بدان بپردازیم.

وی افزود: علم لازمه پیشرفت است و بی علم پیشرفت میسر نمی شود، اما آیا پیشرفت علم یک امر ضروری و قهری بوده است که ما در این باره بحث نکرده ایم. پیشرفت همیشه بوده و همواره آنچه بالقوه بوده به فعلیت رسیده است، اما این پیشرفت، پیشرفت قوه به فعل نیست بلکه این پیشرفت بی نهایت و غیر قابل پیش بینی است و امیدواریم در نشست هایی که در این کنفرانس برگزار می شود به این بپردازیم که تحول علمی چگونه صورت گرفته است و کدام نظرها به عمل پیوسته است.

رئیس فرهنگستان علوم با تاکید بر نسبت اخلاق و پیشرفت یادآور شد: آیا اخلاق هم به مانند علم پیشرفت کرده است؟ حقیقت دین پیشرفت نمی کند اما علم دین پیشرفت می کند حقیقت دین که همان دین اسلام است در وجود نازنین پیامبر اسلام (ص) محقق شده است. یک تعادلی بین علم هنر و دین و به طور کلی معارف با اخلاق وجود دارد و این تناسب در تاریخ وجود دارد، یعنی نظام تاریخ در خود تعادل دارد. برخی از متفکران همچون ژان ژاک روسو معتقدند که تمدن و تاریخ بشر را فاسد کرده است اما من به مانند روسو فکر نمی کنم و دلایل خود را دارم که جای بحث آن در اینجا نیست. نامدارترین فیلسوف اروپا کانت است که از میان آثارش سه کتاب مهم یکی در مورد علم، یکی در مورد اخلاق و یکی در مورد ذوق و هنر دارد.

جامعه بی اخلاق و بی هنر نداریم، اما جامعه جدید به خاطر اینکه امکان های فراوان دارد هر چیزی در آن به وجود آمده است. با آغاز رنسانس طی 200 سال علم و فلسفه ارسطو و افلاطون و اخلاق فضایل رد می شود. اخلاق متصف شدن به فضائل است و اخلاق جدیدی به نام اخلاق آزادی و یا اخلاق تکلیف در آن زمان به وجود می آید که اخلاق کانت اخلاق تکلیف است. خوب خواهید گفت که اخلاق دینی ما هم تکلیف است این حرف درستی است اما با اینکه تاریخ غربی از دین بیرون آمده است اما تکلیف دینی و شرعی تکلیف کننده اش خداست اما تکلیف کانت احساس و بانگ باطن من انسان است و این اخلاق غربی است که ما فضائل را در آن نمی بینیم برای همین می گوئیم فساد و بی اخلاقی در آنجا وجود دارد.

دکتر داوری اردکانی یادآور شد: کانت در قرن 19 اخلاق خود را داشته است و نظم و درستی و اتقان در کار داشته و ما این را نداریم، یعنی ما کمتر به کار خود و وظیفه خود اهمیت می دهیم، بنابراین وقتی می خواهیم درباره خود با عالم توسعه یافته غربی حکم کنیم باید توجه کنیم که اختلاف بر سر چیست. اخلاق ما، اخلاق فضیلت است و علم و تمدن جدید با اخلاق فضیلت ساخته نشده بلکه با نفی اخلاق فضیلت ساخته شده است. در واقع عالم جدید، عالم تمطع است. ما به اخلاق فضائل توجه کردیم و به اخلاق منفی که اخلاق آزادی است توجه نکردیم اما برای پیشرفت داشتن اخلاق منفی ضروری است و باید به قواعد آن دقیق توجه شود. اما این اخلاق منفی با حقوق نسبت دقیقی دارد.

وی با تاکید بر تناسب دانش و اخلاق تصریح کرد: دانش به ذات اخلاقی است، دانشمند از حیث اینکه دانشمند است، اخلاقی است و آن اخلاق کانتی (اخلاق منفی) را رعایت می کند. کانت نظر استاد خود را - که در اخلاق نمی تواند استادش باشد- با مقاومت توجیه کرد. کانت برخلاف روسو می توانست استاد عملی اخلاق باشد. کانت هنر و اخلاق و علمی را که متناظر هم هستند را بیان کرد، اما نه هنر و اخلاق و علم که از هم منتج می شوند. هنر کانت این بود که عقل را محدود و حدود امکان علم را معین کند.

وی تاکید کرد: آیا علم وقتی پیشرفت می کند که هنر و اخلاق هم پیشرفت کرده باشد؟ از نظر کانت هر عالم به خصوص علم ما که استوانه اش علم است اخلاق و هنر متناسب با خود را دارد. اخلاق و هنر عالم غربی، اخلاق و هنر غربی است اما بحث ما جدا از

آنهاست چرا كه اخلاق ما، اخلاق فضیلت است و ما می خواهیم علم و اخلاق را با هم جمع كنیم. اخلاق ما تنها اخلاق فضیلتی نیست بلکه اخلاق های دیگری چون تکلیفی نیز در آن وجود دارد و ما می توانیم از طریق نفوذ در اخلاق تکلیف (اخلاق منفی) كه رعایتش برای پیشرفت ضروری است به سوی اخلاق فضیلت پیش رویم كه در این الگو، هم جانب علم و هم جانب عقل و اخلاق رعایت می شود.